



بیشتر از یک نفر...

به نام آنکه هستی نام از او یافت

فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

بزرگواران سلام، من محمد پیام بهرام پور هستم از مجموعه ی مثبت یک،(جایی که تلاش می کنیم بیشتر و موثر تر از یک نفر باشیم تا دنیا جای بهتری برای زندگی کردن باشه)

و شما در حال گوش دادن به سی و ششمین فایل از مجموعه فایل های رادیو سخنرانی هستید.

از اونجایی که من خیلی دوست دارم یک نظم خاصی توی فایل های رادیو سخنرانی باشه و فاصله زیادی در زمان ارائه اونها وجود نداشته باشه، یکسری مشکلات رو فکر می کنم که باید پذیریم یعنی، واقعیتش اینه شما مجبورید بپذیرید.

اون هم سروصداهای محیطی هست و دوم اینکه حتی اگر مثلا ابتدای صبح باشه الان و من صدام خیلی باز نشده باشه تمرین های صدا رو انجام نداده باشم فقط بخاطر اینکه سریع این محتوا رو منتقل بکنم.

و بنابراین پیشاپیش عذر خواهی می کنم اگر سر و صدای محیطی باشه، ممکنه یک نفر الان زنگ بزنه چون تو دفتر هست و اتفقای اینطوری خیلی طبیعی هست اما چون دوستتون دارم و احساس می کنم که وظیفه من این هستش که محتوای مهم رو منتقل بکنم، نه اینکه جایی خیلی ساکت و اروم پیدا بکنم. البته اگر بشه مثل اکثر فایل های رادیو سخنرانی، حتما این کار رو خواهم کرد.

موضوعی که می خوایم راجع بهش امروز صحبت بکنیم، بحث استفاده از کلمات "قلبمه، سلمبه" هست، کلماتی خاص، چون خیلی از ما تو کلاسها میان میگن که ببخشید ما میخواستیم یاد بگیریم چطوری تو این دوره از کلمات قلبمه سلمبه استفاده بکنیم. چون خیلی ها رو دیدیم اصلا کلمات قلبمه سلمبه استفاده می کنن بعد اصلا بقیه یک جوروی نگاهشون می کنن ادم کیف میکنه که اینها چقدر جملات زیبا، کلمات زیبا استفاده می کنن، کاش بشه ما هم اینطوری باشیم.

خوب اوایل که میان من، قدیم بهشون اثبات می کردم جلسه اول که نه، نباید از این کلمات استفاده بکنیم ولی خوب قبول نمی کردن.

جدیدا دیگه این کار رو نمی کنم، جدیداً یعنی مثلاً 2-3 سال هست و اجازه میدم که باشه ان شاءالله تو دوره یاد می گیریم و خود دوستان به مرور متوجه می شوند که کلمات درست، چه چیزهایی هستند.

کلمات قلبمه سلمبه شاید تو نگاه اول، با کلاس به نظر برسند تو "نگاه اول" ولی واقعیت این هستش که اگر واقعا مهارت سخنرانی رو بدونیم، نه اینکه "توهم" اون رو داشته باشیم، خواهیم دید که نه اون اثربخشی رو نداره.

بگذارید اول بگم منظورم از کلمات قلبمه سلمبه چیه؟



بیشتر از یک نفر...

مثلا شخص داره صحبت می کنه میگه: خب، به اعتقاد من، باید این موضوع مورد "مداقه" قرار بگیره که...

بعد ما نشستیم میگویم: مورد چی قرار بگیره؟؟!!!!!!، مداقه چیه؟؟ اممم... یک مقدار شاید این حس بدست بیاد که مثلا اون چیزهایی میدونه که ما نمیدونیم. پس یکسری میشه کلمات سخت، کلماتی که ما تو فارسی خیلی ازش استفاده نمی کنیم. یکی که مثلا تازه زبان فارسی رو یاد گرفته، اصلا نمی دونه چی هست!!!

دومین مورد، واژه های مخفف هستند. مثلا میگویم که خب، ما توی " پی ام " اعتقاد داریم که...

خب پی ام چیه؟؟، خب شخص که نمیدونه پراجکت منیجمنته، خب بعد چی؟ حالا اینم فرضا دونست، این چیه؟؟ حالا مدیریت پروژه یا موضوعاتی از این دست... اصلا یک داستان دیگه است.

یا مثلا موضوعاتی مثل "آر اند دی"، من توی سمیناری نشسته بودم، سخنران گفتش که: بذارید یک مثال ساده بزنم. آر اند دی! خب الان توی آر اند دی، ما باید...

بعد دقیقا، دو نفر رو جلو دیدم، که بهم برگشتن گفتن: این الان مثال ساده اش بود؟ آر اند دی چیه!

خب ریسرچ اند دولپ هست، که به "تحقیق و توسعه" می شناسیمش. ولی خیلی ها شاید ندونن آر اند دی چیه، ممکنه برای من و شما بدیهی باشه اما ایا تضمینی وجود داره برای مخاطبمون هم بدیهی باشه؟

مورد سوم واژه های انگلیسی هست، من واژه های انگلیسی رو میخوام دو قسمت بکنم:

1. واژه هایی که دونستن اونها هیچ ضرورتی نداره. مثلا به جای زمان بگیم تایم: چقدر تایم داریم! یا مثلا به جای ساعت استراحت بگیم: بریک تایم! خب شاید اشتباه خاصی شاید نتونیم پیدا بکنیم ولی مطمئن باشیم یک عده از این متنفر می شوند. مطمئن باشید اتفاق میفته. کجا این رو فهمیدم؟

زمانی که توی کلاسها یک آقای خیلی دوست داشتنی گفت: ببخشید من هیچ کلمه انگلیسی بلد نیستم و این درک که میگوید چیه؟ ایشون حتی بریک رو متوجه شدن درک. خب وقتی که این رو درست متوجه نشدم اون وقت، من متوجه شدم که خدایا چقدر از صحبت های من سر کلاس رو متوجه نشدن! بنابراین از اون بعد تصمیم گرفتم تا حد ممکن، از کمترین میزان کلمات انگلیسی استفاده بکنم.

2. مورد بعدی کلمات تخصصی هست، کلماتی نه انگلیسی هستند نه مخففند، ولی باز معنیش رو مخاطب نمی دونه. مثلا نشستیم میگویم که خب، قدر مطلق این ستاره، 6.8 هست بعد یه نگاهی می کنند بقیه و متوجه نمی شوند. قدر مطلق نه یک کلمه انگلیسی و نه مخففه بلکه یک کلمه تخصصی تو ستاره شناسی هست.

و اگر کسی مفهوم قدر، روشنایی و موضوعاتی از این دست رو ندونه، خب واقعا دچار مشکل میشه.

پس ما اومدیم کلمات رو چند بخش کردیم:

1) کلمات دشوار

2) کلمات مخفف

3) کلمات انگلیسی

4) کلمات تخصصی

و گفتیم تا حد ممکن نباید از اینها استفاده بکنیم، اما این به این معنی هستش که وقتی من یک پزشک هستم و در جمع پزشکان نشستم، بازم نباید از کلمات تخصصی استفاده بکنم؟ به هیچ عنوان، اتفاقا باید اونجا استفاده بشه. در جمع هایی که تخصصیه، شما می تونید بمبارون کنید کلمات تخصصی رو به مخاطبانتون اما در جمعی که یک درصد احتمال می دید کسی متوجه نشه، شما حتما باید تا حد ممکن از واژه های ساده استفاده بکنید نه قلمبه سلبمه. کلمات قلمبه سلبمه ابتدای کار، یک وجاحتی به شما میده، میگن بله! چقدر با کلاسه! چقدر خوبه! ولی بعد از یک مدت مخاطب نخواهید داشت...

استثنا داره بله. ما سخنران هایی رو داریم که خیلی انگشت شمارند، کلمات خیلی سختی هم استفاده می کنند. غالب مخاطباشون هم نمی فهمن که چی میگن اما مخاطب رو دارن. اما واقعیت این هستش که عموما شما نگاه بکنید، کدوم سخنران ها بیشتر مخاطب دارند؟ مسلما اونهایی که با مثال های ساده و ملموس صحبت می کنن اما هممون می دونیم که با سوادند و دارند ساده سازی می کنند. پس کاری که ما باید انجام بدیم این هست، یک جایی ممکنه توی کلاس من بخوام از یک متد آموزشی استفاده بکنم، میگم:

خب دوستان من میخوام توی این دوره از روش

Accelerated and Intensive learning

استفاده بکنم.

خب ممکنه مخاطب یک گاردی نسبت به این داشته باشه، پس میام میگم از "آموزش شتاب یافته و فشرده" که اگر دوست داشتید، انگلیسی راجع بهش جست و جو بکنید، می تونید رو جست و جو بکنید.

Accelerated and Intensive learning

اون وقت دیگه قلمبه سلبمه حرف نزدنم، مخاطبانی که دوست دارن انگلیسی بدوندن یا یاد بگیرند، میرن سرچ می کنن، پیدا میکنن، جست و جو میکنن توی اینترنت و اونهایی که متوجه نیستن یا علاقه ای ندارن خیلی راحت از کنارش میگذرن.

پس این میشه یک چارچوب کلی برای اینکه تا حد ممکن از کلمات ملموس استفاده بکنیم و زیبا، ببینید خیلی اینها اهمیت داره. من می تونم بگم که کلمات قشنگ، کلمات زیبا میتونم بگم کلمات خوشگل، هر سه اینها توی یکسری جاها بدرد میخوره، هیچ کدومشونم قلمبه سلبمه نیستند. می تونم بگم زشت می تونم بگم: نازیبا.



پس ما میتونیم روی همین کلماتی که همه متوجه میشن کار بکنیم و کلمات زیبا رو پیدا بکنیم که حالا بعدا راجع به این موضوعات صحبت می کنیم.

اما یادمون باشه استفاده از کلمات قلمبه سلمبه، مخفف ها، واژه های انگلیسی، واژه های تخصصی و کلمات دشوار کار خیلی درستی نیستش و سعی بکنیم برامون این یک عادت بشه که به صورت ساده اما همه فهم اما حرفه ای صحبت کنیم.

برای اینکه نشون بدیم، حرفه ای هستیم می تونیم بگیم:

دوستان من اصلا نمیخوام تو این سخنرانی از کلمات سخت، واژه های انگلیسی استفاده کنم. سعی می کنم چیز هایی رو بگم که همه فهم باشه و همه باهم به فهم عمیقی از این موضوع دست پیدا بکنیم. بسیار عالی، امیدوارم که این رادیو سخنرانی یعنی رادیو سخنرانی 36 مورد توجه تون قرار گرفته باشه و امیدوارم که از تک تک لحظات زندگی تون لذت ببرید چون بیشتر از یک نفر هستید. ممنونم از شما و خدانگهدار.